



**Research article**

Research of Literary Texts in Iraqi Career  
Vol. 2, Issue 4, Winter 2022, pp. 77-90

**Sanai's Influence on the Qur'an on the Subject of Hypocrisy and Fighting  
Hypocrisy (In the Divan of Poems and Hadiqah Al-Haqiqah)**

**Seyed Babak Maali \***

Assistant Professor Persian Language and Literature, Farhangian University of Kermanshah,  
Kermanshah, Iran.

**Received: 20/12/ 2021**

**Acceptance: 16/ 03/ 2022**

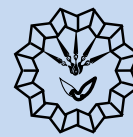
**Abstract**

Sanai Ghaznavi, mystic of the sixth century AH. Q., who is also one of the prominent poets of Persian educational literature, has paid attention to the issue of hypocrisy as one of the important moral-social diseases in his works and has tried to eliminate and correct this problem through hypocrisy. In this way, he pays special attention to the teachings of the Holy Quran, as one of the intellectual and intellectual sources of his advice. Identifying and introducing Sana'i influences from the Holy Quran in the Divan of Poems and Hadiqah al-Haqiqah based on poetic evidences and their critique and analysis is the main issue of this article. This article has been written in a descriptive-analytical method. Sanai condemns hypocrites from different groups and strata of society such as: jurists, scholars, preachers, ascetics, readers, Sufis, pilgrims, etc., and various material and spiritual motives to turn to hypocrisy and hypocrisy. He counts, such as: gaining wealth, position, respect, fame, etc. Inspired by the teachings of the Qur'an, he believes that: Hypocrites are the companions of Satan, do not have sincerity in their acts of worship, and seek hypocrisy through hypocrisy and pretense. They are worldly. And offers them solutions; Such as: turning to the world of contentment and contentment, avoiding the air of breath, having sincerity and honesty, not being deceived by appearances, avoiding hypocrisy and hypocrisy, etc. Finally, it is recommended to enter the bend of unity and leave it with uniformity .

**Keywords:** Quran - Hypocrisy - Presidency - Sanai - Divan of Poetry Hadiqah Al-Haqiqah.

\* Corresponding Author Email:

[sbm8706@yahoo.com](mailto:sbm8706@yahoo.com)



پژوهشنامه متون ادبی دوره عراقی

سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰ هـ ش، صص ۹۰-۷۷

## تأثیرپذیری سنایی از قرآن در موضوع ریا و ریاستیزی (در دیوان اشعار و حدیقه الحقیقه)

سیدبابک معالی\*

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

### چکیده

سنایی غزنوی، عارف سده ششم هـ.ق. که یکی از شاعران برجسته ادبیات تعلیمی فارسی نیز به شمار می‌رود که در آثار خود به موضوع ریا به‌عنوان یکی از بیماری‌های مهم اخلاقی-اجتماعی توجه کرده و کوشیده است با ریاستیزی به رفع و اصلاح این معضل بپردازد. وی در این راه به آموزه‌های قرآن کریم، به‌عنوان یکی از منابع اندیشگانی و فکری اندرزهای خود توجه ویژه دارد. شناسایی و معرفی تأثیرپذیری‌های سنایی از قرآن مجید در دیوان اشعار و حدیقه الحقیقه با استناد به شواهد شعری و نقد و تحلیل آن‌ها مسئله اصلی این مقاله است. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به رشته تحریر درآمده است. سنایی ریاکارانی از گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماع همچون فقها، علما، وعاظ، زهاد، قاریان، صوفیان، حاجیان و... را مورد نکوهش قرار می‌دهد و انگیزه‌های مادی و معنوی مختلفی برای روی آوردن آن‌ها به ریا و تظاهر برمی‌شمارد؛ مانند کسب مال و ثروت، مقام، احترام، شهرت و... او با الهام از تعالیم قرآن، معتقد است که ریاکاران هم‌نشینان شیطان‌اند، در اعمال عبادی خود اخلاص ندارند و با ریاکاری و تظاهر در پی رسیدن به مطامع دنیوی هستند. وی به آنان راه‌کارهایی نیز پیشنهاد می‌کند؛ مانند روی آوردن به دنیای خرسندی و قناعت، پرهیز از هوای نفس، داشتن اخلاص و صداقت، فریب ظواهر را نخوردن، دوری از نفاق و دورنگی و... سرانجام ورود به حُمد و وحدت و خروج از آن با یکرنگی را توصیه می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: قرآن، ریا، ریاستیزی، سنایی، دیوان اشعار و حدیقه الحقیقه.

**۱. مقدمه**

حکیم سنایی غزنوی از جمله شاعران برجسته ادبیات تعلیمی در قرن ششم هـ.ق. است که به حق باید او را از استادان مسلم شعر فارسی نیز به شمار آورد. او توانست در آثار خود با تأثیرپذیری‌های فراوان از آیات قرآنی تحول اساسی و ماندگاری در روند آثار منظوم فارسی ایجاد کند و نخستین کسی است که به موازات طرح مضامین اخلاقی در آثارش، تعلیم عرفانی را نیز به طور گسترده در عرصه شعر فارسی وارد کرده است.

از جمله موضوعات اخلاقی که در آثار سنایی و به خصوص دیوان اشعار و حدیقه الحقیقه بازتاب فروانی یافته، ضرورت مبارزه با ریا و تظاهر است که مانند یک آفت، اساس جوامع را از درون سست و میان تهی می‌کند؛ لذا او با مشاهده بی‌اخلاقی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی روزگار خود و رواج روزافزون ریا و تظاهر در میان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه، سکوت اختیار نکرده، بلکه با الهام‌پذیری از آموزه‌های قرآن مجید، همچون یک مصلح اجتماعی با ریا و ریاکاران به مبارزه برخاست.

**۱-۱. بیان مسئله**

در این مقاله نگارنده بر آن است، تأثیرپذیری‌های سنایی در موضوع ریا و ریاستیزی از تعلیم قرآن مجید را در دیوان اشعار و حدیقه الحقیقه شناسایی و معرفی کند و با استناد به شواهد شعری، نقد و بررسی نماید.

**۱-۲. روش تحقیق**

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری به نگارش درآمده است و سعی بر آن دارد که با استفاده از قرآن مجید، ابتدا موضوع ریا و ریاکاری و جنبه‌های مختلف آن و همچنین علل و عوامل روی آوردن افراد به ریاکاری از منظر قرآن بیان شود، سپس تأثیرپذیری‌های سنایی از آیات قرآنی با استناد به شواهد شعری، دسته‌بندی و تا جایی که به درازگویی نینجامد، تجزیه و تحلیل و علت‌یابی شود و در نهایت، به جنبه‌های اجتماعی موضوع نیز توجه گردد.

**۱-۳. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق**

اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق از آنجاست که ریا و تظاهر از جمله رذیلت‌های اخلاقی هستند که می‌توانند با متمکن شدن در نهاد فرد و اجتماع، ارزش‌ها و باورهای اصیل یک جامعه را به اضمحلال بکشانند و آن را به پرتگاه فساد و نابودی سوق دهند؛ پس ضرورت مبارزه با این بیماری بنیان‌برافکن و برخورد جدی با زمینه‌ها و عواقب آن و ترسیم راه‌های برون‌رفت از آن بر کسی پوشیده نیست و در فرهنگ ما بر اساس آموزه‌های دینی و اخلاقی همواره امری حیاتی تلقی شده است و چون در عرصه ادب فارسی درباره تأثیرپذیری سنایی از قرآن در موضوع ریا و ریاستیزی تا کنون پژوهشی مستقل صورت نگرفته است؛ بنابراین ضرورت انجام چنین تحقیقی کاملاً محسوس بود تا بتوان بر اساس آن از یک سو، جنبه‌های مختلف ریا و ریاستیزی در آثار بزرگانی همچون سنایی شناسایی شوند و از سوی دیگر،

تأثیرپذیری‌های سنایی از آموزه‌های قرآن مجید مشخص و تبیین گردند تا از این رهگذر بهتر و بیشتر بتوان به تأثیرگذاری‌های آموزه‌های قرآنی در عرصه فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی پی برد.

#### ۴-۱. پرسش‌های تحقیق

در این مقاله علاوه بر آن که درصدد شناسایی و معرفی تأثیرپذیری‌های سنایی از آموزه‌های قرآن مجید در دیوان اشعار و حدیقه الحقیقه هستیم، در تلاشیم تا دریابیم، معانی و کاربردهای مختلف ریا از نظر او کدام‌اند؟ سنایی، کدام گروه‌ها و اقشار اجتماعی را به دلیل ریاکاری به باد انتقاد گرفته است؟ وی برای عمل ریایی چه دلایل و انگیزه‌های مادی و معنوی‌ای برشمرده است؟ و از نظر او تبعات عمل ریایی چیست؟

#### ۵-۱. پیشینه تحقیق

درباره پژوهش‌هایی مرتبط با این مقاله نیز می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. مقاله «ریا و تزویر و انعکاس آن در اشعار جامی» نویسندگان آن: سعیده مرجع‌زاده، عنایت‌الله شریف-پور، احمد امیری خراسانی که در *کوشش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۳۴ به چاپ رسیده است. نویسندگان در این مقاله، ضمن بیان شواهد مثالی از اشعار جامی، سرانجام به این نتیجه می‌رسند که در دوران وی ریا، صوفی‌نمایی، تشکیل گروه‌هایی از متصوفه در اطراف یک شیخ و سکونت در خانقاه برای مقاصد مادی و سوءاستفاده از دین و باورهای خالصانه مردم، بسیار رواج داشته است. وی در اشعار خود، به‌ویژه در *سلسله‌الذهب*، با انتقاد از این رذیلت اخلاقی، گوشه‌هایی از مردم‌فریبی زاهدنمایان و ریاکاران زمان خود را برملا ساخته است و مردم را به آگاهی و شناخت و پیروی از نیک‌سیرتان مخلص و دوری از ریاکاران فرامی‌خواند تا از رهگذر آگاهی مردم، از رواج ریا جلوگیری کند.
  ۲. مقاله «زهد ریایی و زهد ریا در شعر حافظ» نویسنده: سیدحسین امین، چاپ‌شده در *مجله حافظ خرداد ۱۳۹۱*، شماره ۹۴.
- این مقاله با کم‌ترین شرح و تحلیل، فقط به ذکر شواهد مثالی با بسامدهای «زهد و ریا» و «زهد ریایی» از دیوان حافظ بسنده کرده است.
۳. ریاستیزی در اشعار امام خمینی (ره)، نویسنده: محمد فاکرمبیدی، مجله: *کوثر معارف* (۱۸ صفحه- از ۳ تا ۲۰) ۱۳۸۶، شماره ۳. در این مقاله نیز شواهد مثالی از دیوان امام در ارتباط با ویژگی ریاستیزی ایشان مطرح می‌شود.

#### ۲. معنی لغوی و اصطلاحی ریا

«ریا» مشتق از کلمه «رؤیت» است و به معنای «تظاهر کردن به نیکی، دورویی و نفاق و انجام کار برای نشان دادن به دیگری آمده‌است» (فرهنگ معین، ذیل واژه ریا) و در اصطلاح، عبارت است از آن که

«انسان بخواهد با ارائه کارهای نیک خود، مقام و منزلتی در دل مردم پیدا کند و این مطلب اگرچه در تمامی کارهای خوب امکان دارد، ولی نام ریا در اصطلاح شرعی، مخصوص است به این که آدمی در انجام عبادات، چنین قصدی داشته باشد» (فهری، ۱۳۵۹: ۶).

از نظر آموزه‌های دینی، ریا نقطه مقابل اخلاص و یکی از گناهان کبیره است که مایه هلاکت انسان و شقاوت ابدی او می‌شود؛ زیرا فضایل اخلاقی را زایل می‌کند، عامل حبط اعمال آدمی و به انحطاط و ابتدال کشیدن جوامع بشری است. همچنین علمای علم اخلاق، عمل ریایی را شاخه‌ای از نفاق می‌دانند؛ نفاقی که عقل و شرع در نکوهش آن هم‌فکرند.

### ۳. معانی و کاربردهای ریا در قرآن

واژه «ریا» در همان معنای اصطلاحی، پنج بار در قرآن کریم به شرح ذیل آمده است:

«قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶)» «پس وای بر آن نمازگزاران [۴] که دل از یاد خدا غافل دارند [۵] همانان که (اگر طاعتی کنند به) ریا و خودنمایی کنند [۶]» (قرآن مجید، ترجمه الهی قمشه‌ای، ماعون / ۴-۶).

در این آیات می‌بینیم، روی سخن خداوند با نمازگزارانی است که در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند، اهتمامی به امر نماز ندارند و دل از یاد خدا غافل دارند. پس از نظر خداوند، آنان ریاکارانی هستند که به عمق عبادات توجه خالصانه ندارند و فقط به ظاهرسازی می‌پردازند.

«وَالَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَكَأْ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَكَأْ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا.» «و آنان که اموالشان را از روی ریا و خودنمایی به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارند [شیطان همدم و هم‌نشین آنان است] و هر کس شیطان همدم او باشد، بی‌تردید بد همدم و هم‌نشینی است» (قرآن مجید، ترجمه الهی قمشه‌ای، نسا / ۳۸).

در این آیه به‌طور صریح اعمال ریاکارانه، اعمالی شیطانی به‌شمار آمده است و شخص ریاکار هم‌نشین و قرین شیطان معرفی شده است؛ زیرا ریاکاران با عدم اعتقاد به قیامت و روز جزا با تظاهر و عوام‌فریبی در پی رسیدن به مطامع دنیوی خود هستند.

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» «و [شما مؤمنان] مانند کسانی نباشید که از روی هواپرستی و غرور و ریا و تظاهر از دیار خویش [به سوی میدان بدر] خارج شدند و [مردم را] از راه خدا منع می‌کنند و علم خدا بر هرچه کنند، محیط است» (قرآن مجید، ترجمه الهی قمشه‌ای، انفال / ۸).

خداوند در این آیه منافقان را مدنظر دارد؛ منافقانی مغرور و هواپرست که ریاکار و متظاهر نیز هستند و آشکارا از پشتیبانی خداوند بی‌بهره‌اند و سرانجامی جز افتادند در ورطه شکست و نابودی ندارند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
 الْآخِرِ ۖ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۖ لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ  
 وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (ای اهل ایمان، صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید، مانند آن-  
 که مال خود را از روی ریا (برای جلب توجه دیگران) انفاق کند و ایمان به خدا و روز قیامت ندارد؛ مثل این  
 ریاکاران بدان ماند که دانه را (به جای آن که در زمین قابلی افشانند) بر روی سنگ صاف غبار گرفته‌ای ریزند و  
 تند بارانی غبار آن بشوید و آن سنگ را همان طور صاف و بی گیاه به جای گذارد که نتوانند هیچ حاصلی  
 از آن به دست آورند و خداوند گروه کافران را راه (سعادت) ننماید» (قرآن مجید، ترجمه الهی قمشه‌ای،  
 بقره/۲۶۴).

در آیه مذکور دو عامل بطلان عمل مطرح شده است: «منت و آزار» و «ریا» که اولی بعد از عمل  
 می‌آید و دومی مقارن با عمل و باعث می‌شود که اعمال نیک از بین برود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷:  
 ۴۷۸/۲۱). همچنین در قالب یک تمثیل که در آیه مزبور آمده است، افراد ریاکار، قشری گریبان و  
 سطحی‌نگرانی بی‌محتوا معرفی می‌شوند که به قصد ریا و تظاهر انفاق می‌کنند و ظاهر عمل آنان مانند  
 خاک، نرم، ولی باطن آن چون سنگ، سخت است و قابلیت نفوذ ندارد. پس ریاکاران به دلیل سختی  
 دل‌های سنگشان در برابر نفوذ حقیقت، از انفاق خود بهره‌ای نمی‌برند.

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ ۖ يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلَا  
 يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» «همانا منافقان با خدا مکر و حيله می‌کنند و خدا نیز با آنان مکر می‌کند و چون به  
 نماز آیند با حال بی‌میلی و کسالت نماز کنند و برای ریاکاری آیند و ذکر خدا را جز اندک نکنند» (قرآن  
 مجید، ترجمه الهی قمشه‌ای، نساء/۱۴۲).

چنان که در این آیه می‌بینیم، منافقان، اعمال عبادی خود، مانند نماز را نه با انگیزه‌های الهی، بلکه برای  
 خودنمایی و از روی ریاکاری همراه با کسالت و بی‌میلی انجام می‌دهند و با این کار سعی دارند، خدا را  
 فریب دهند؛ درحالی که خود را فریب می‌دهند و خداوند به باطن آنان آگاه است و جزای فریبکاریشان را  
 می‌دهد.

#### ۴. مختصری درباره سنایی غزنوی

حکیم ابوالمجد مجدودبن آدم سنایی، شاعر و عارف نامدار نیمه دوم سده پنجم و نیمه نخست سده ششم  
 هجری است و به احتمال قریب به یقین در سال ۴۷۳ هـ.ق. در غزنین زاده شده و در سال ۵۳۵ هـ.ق. در  
 همان دیار، چشم از جهان فرو بسته است (صفا، ۱۳۶۸: ۵۵۲/۱). درباره منزلت و مقام سنایی نیز همین بس که  
 مولانا جلال‌الدین رومی با وجود کمال و فضل، خود را از متابعان او می‌داند و می‌گوید:

«نیم جوشی کرده‌ام، من نیم خام از حکیم غزنوی بشنو تمام

(مولوی، ۱۳۸۲: ۵۰۱/۱)

سنایی دارای آثار متعددی است که مهم‌ترین آن‌ها، *حدیقه الحقیقه* یا *الهی‌نامه* است که دربارهٔ مسائل عرفانی، حکمی و کلامی و مشحون به معارف الهی است. آذر بیگدلی دربارهٔ حدیقه او گوید: «حدیقه‌اش، بوستانی است از ثمرات تحقیق آمیز، مملو و گلستانی است از گل‌های معرفت شوق‌انگیز، مشحون» (بیگدلی، ۱۳۴۱: ۵). همچنین *دیوان اشعار* او که شامل قصاید، غزلیات، قطعات و مفردات اوست.

دربارهٔ زندگی ابوالمجد مجدود، حکایات و افسانه‌هایی چند، مطرح شده است که به نظر، پایه و اساس درستی ندارند؛ لذا از بیان آن‌ها در این جا صرف نظر می‌شود، ولی آن چه که از آثار او برمی‌آید، بیانگر آن است که سنایی نیز مانند برخی دیگر از بزرگان شعر و ادب دارای دو مرحلهٔ زندگی بوده است: در مرحلهٔ اول زندگی‌اش، او شاعری درباری است که به لُهو و لعب و خوش‌گذرانی‌های دنیایی سرگرم است و گویا در اثر حادثه‌ای دچار تحوّل و دگرگونی می‌شود و به دنیای عشق و عرفان روی می‌آورد.

### ۵. ربا و تظاهر در آثار سنایی و تأثیرپذیری‌های او از قرآن مجید

حکیم سنایی غزنوی پس از روی آوردن به دنیای عشق و عرفان به موازات پرداختن به مضامین عرفانی در آثار خود، به معضلات اخلاقی و اجتماعی نیز به‌طور گسترده واکنش نشان داده است؛ از جمله مواردی که در جای‌جای آثارش با الهام و تأثیرپذیری از آموزه‌های قرآن مجید به آن پرداخته، موضوع ربا و تظاهر است. او ریشهٔ ریاکاری و تظاهر را اسیربودن در چنگال هوای نفس می‌داند و لازمهٔ تأثیرپذیری از قرآن را بی‌ریایی معرفی می‌کند:

چو در مصحف از هوا نگری      نقش قرآن ترا کند در بند  
ور ز زردشت بی‌ریا شنوی      زنده گرداندت چو قرآن، زند  
(سنایی، ۱۳۸۸، ۱۵۲)

سنایی به تأسی از تعالیم قرآن مجید دربارهٔ ربا و ریاکاران اشعار فراوانی سروده و در آثار خود اقشار و گروه‌های مختلفی از ریاکاران زمانه را نکوهش کرده و به باد انتقاد گرفته است و دلایل و انگیزه‌های مختلفی را برای روی آوردن افراد به ربا و تظاهر برمی‌شمارد و در کسوت یک مصلح اجتماعی اندرزهایی برای برون‌رفت از ریاکاری به ایشان می‌دهد و در همهٔ موارد مزبور به‌وضوح تحت تأثیر آیات قرآن مجید دربارهٔ ریاست، به گونه‌ای که می‌توان بر این اساس ریاکاران را از نظر سنایی چنین معرفی و دسته‌بندی کرد:

۵-۱. کسانی که در اعمال عبادی خود اخلاص ندارند و با ریاکاری و تظاهر در پی رسیدن به مطامع دنیوی هستند: سنایی تحت تأثیر آیات ۱-۶ سورهٔ ماعون و آیهٔ ۱۴۲ سورهٔ نسا، ریاکارانی از اقشار و طبقات مختلف اجتماع روزگار خود از قبیل فقها، علما، صوفیان، زاهدان، قاریان، حاجیان و... را نکوهش می‌کند و آنان را منافقانی می‌داند که با ظاهرسازی در دین به دنبال عوام‌فریبی و اغراض دنیایی‌شان هستند. شواهد مثالی از سنایی دربارهٔ ریاکارانی از هر یک از گروه‌های مذکور:

فقها را غرض از خواندن فقه      حیلۀ بیع و ربا و سلمست  
علما را ز پی وعظ و خطاب      جگر از بهر تعصب به دمست

صوفیان را ز پی رندان کام  
 زاهدان را ز برای زه و زه  
 حاجیان را ز گدایی و نفاق  
 قبله‌شان شاهد و شمع و شکمست  
 « قل هو الله احد » دام و دمست  
 هوس و هوش به طبل و علمست  
 (همان: ۸۲)

در جایی دیگر خرقة پوشان، صوفیان و حاجیان دنیاطلب، گداصفت و ریاکار را نکوهش می‌کند:  
 خرقة پوشان مزور سیرت سالوس و  
 خویشان را سخرهٔ قیماز و قیصر کرده‌اند  
 زرق  
 گاه خلوت صوفیان وقت با موی چو  
 ورد خود ذکر برنج و شیر و شکر کرده‌اند  
 شیر  
 در مناسک از گدایی حاجیان حج فروش  
 خیمه‌های ظالمان را رکن و مشعر کرده‌اند  
 (همان: ۱۴۸-۱۴۹)

در ضمن ثروتمندان و فقهای درباری ریاکار را از حرص و فریب کاری و دست‌درازی بر حذر داشته است و چنین پند می‌دهد:

ای خداوندان مال الاعتبار الاعتبار  
 پیش از آن کاین جان عذرآور فرومیرد ز نطق  
 پند گیرید ای سیاهیتان گرفته جای پند  
 قبله‌شان شاهد و شمع و شکمست  
 تا کی از دارالغروری ساختن دارالسرور  
 « قل هو الله احد » دام و دمست  
 در فریب‌آباد گیتی چند باید داشت حرص  
 چشمتان چون چشم نرگس دست چون دست چنار  
 (همان: ۱۸۲)

همچنین بر زهد و فقهای ریاکار و ابزار و آلاتی که در ریا به کار می‌برند با تعبیرات و تشبیهاتی طنزآمیز، می‌تازد و در نهایت نصیحت می‌کند که یا مانند «تیغ» باش و بُر یا مانند «افسان» باش و تیز کن و ظاهرسازی و دورویی را رها کن:

تو ای زاهد گر از زهدت کسی سوی ریا خواند  
 مترس ار در ره سنت تویی بی پای چون دامن  
 به وقت خدمت یزدان بنیت راست کن قبله  
 قیامت هست یوم‌الجمع سوی مرد معنی‌دان  
 در فریب‌آباد گیتی چند باید داشت حرص  
 اگر بی دست و بی پایی به میدان رضای او  
 درین ره دل برند از بر درین صف سر برند از تن  
 فقیه ار هست چون تیغ و فقیر ار هست چون افسان  
 حیلۀ بیع و ریا و سلمست  
 جگر از بهر تعصب به دمست  
 قبله‌شان شاهد و شمع و شکمست  
 « قل هو الله احد » دام و دمست  
 چشمتان چون چشم نرگس دست چون دست چنار  
 به پیش شاه گویی کن که ناید از تو چوگانی  
 تو و دوکی و تسبیحی که نر مردان میدانی  
 تو باری کیستی زینها که نه تیغی نه افسانی  
 (همان: ۶۷۸)



در ضمن، حاجیان ریاکار را گدایانی منافق می خوانند:

حاجیان را ز گدایی و نفاق هوس و هوش به طبل و علم است  
(همان: ۸۲)

و از ظاهرسازی آن‌ها شکوه سر می دهد:

در رجب خود روزه دار و «قل هو الله» خوان و پس در صفر خوان «تبت» و در چارشنبه روزه دار  
اگر بی دست و بی پای به میدان رضای او چند ازین رنگ و عبارت کار باید کرد کار  
درین ره دل برند از بر درین صف سر برند از تن رسته از میقات و حرم و جسته از سعی و جمار  
فقیه ار هست چون تیغ و فقیر ار هست چون افسان گاه در نقش هویدی گاه در رنگ مهار  
(همان: ۷۰۴)

در جایی دیگر حقیقت ریایی صوفیان را بر ملا می کند و عمل آنان را به استهزا می گیرد:

از برون پاک و ز درون ناپاک کیست این هست صوفی چالاک  
گره بیرون سگ از درون جوال چیست این کار کرد و کسب حلال  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۳۸۲)

به طور کلی کمتر گروه و قشر اجتماعی را می توان از روزگار سنایی نام برد که ضرب شست ریاستیزانه او را نچشیده باشد که به برخی از این اقشار و گروه‌ها چنان که از نظر گذشت، اشاره شد. اینک به معرفی چند مورد دیگر می پردازیم:

- قاریان ریاکار

سنایی قاریان ریاکار را نیز به دلیل ظاهرسازی و استفاده ابزاری از قرآن برای رسیدن به خواجگی و مقام و منزلت اجتماعی سرزنش می کند و معتقد است که آنان از گوهر حقیقت قرآن بی بهره اند و طعم حقیقی قرآن را به علت بیماری ریا و نفاقی که دچارش هستند، در نمی یابند:

تو ای مقری مگر خود را نگویی کاهل قرآنم که از گوهر نبی آگه که مرد صوت و الحانی  
برهنه تا نشد قرآن ز پرده حرف پیش تو ترا گر جان بود عمری نگویم کاهل قرآنی  
به اخماس و به اعشار و به ادغام و امالت کی ترا رهبر بود قرآن به سوی سر یزدانی  
رسن دادت ز قرآن تا ز چاه تن برون آیی که فرمودت رسن بازی ز راه دیو نفسانی  
بدین شرمی که عثمان کرد بهر بندگی حق را تو زین چون خواجگی جویی بگو کو شرم عثمانی  
یکی خوانیست پر نعمت قران بهر غذای جان ولیکن چون تو بیماری نیابی طعم مهمانی  
(سنایی، ۱۳۸۸: ۶۷۸)

- شاعران ریاکار

سنایی در حدیقه تحت تأثیر آیات ۲۲۴-۲۲۶ سوره الشعراء: «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ. أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ. وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ» (و شاعران [یاوه‌سرایان کافر، مانند عالمان بی عمل و مدعیان باطل و ریاکار] را مردم جاهل گمراه پیروی کنند. آیا نمی بینی که آن‌ها در هر وادی سرگردانند و آن‌ها بسیار سخنان می گویند که یکی را عمل نمی کنند) بی عملی شاعران ریاکار را مورد انتقاد قرار می دهد و آن‌ها را یاوه‌گویانی گمراه و دنیاطلب معرفی می کند که در شعر و شاعری نیز مهارت لازم را ندارند و تصنعی شعر می گویند:

یک رمه ناشیان شعر پراش خویشن کرده‌اند شعر تراش  
 قالب و قلبشان سلیم و لئیم خاطر و خطشان عقیم و سقیم  
 رخ چو مردم به فعل چون نسناس همه محتاج جامه کرباس  
 فتنه را نام عافیت کرده دال با ذال قافیت کرده  
 خویشن را شمرده از ندما ساخته مسکن از در حکما  
 گرد کرده بسی سخن‌ریزه نیک و بد خیره درهم-آمیزه  
 همچو گربه به لقمه‌ای محتاج کرده چو موش سفره‌ها تاراج  
 از معانی دلش بی‌انصافست همچو طوطی به نطق در لافست  
 فعلشان زشت چون عبارتشان جان گران همچو استعارتشان  
 (سنایی، ۱۳۸۷: ۶۸۳)

چنان‌که در ابیات مزبور مشاهده شد، سنایی با تشبیه شاعران ریاکار به گربه، موش و طوطی در پی تحقیر بیشتر آنان است. در دیوان اشعار نیز، شاعران ریاکار را طوطی‌صفتانی می‌داند که فریفته‌ی مادیات هستند؛ لذا قناعت‌ورزی را به آنان پیشنهاد می‌کند تا مانند او «شهریارانی بی‌تاج» باشند:

شاعران را از شمار راویان مشمر که هست جای عیسی آسمان و جای طوطی شاخسار  
 باد رنگین‌ست شعر و خاک رنگین‌ست زر تو ز عشق این و آن چون آب و آتش بی‌قرار  
 زان چنین بادی و خاکی چون سنایی بر سرآی تا چنو در شهرها بی‌تاج باشی شهریار  
 (سنایی، ۱۳۸۷: ۱۸۲)

همچنین آن‌ها را شیاطینی متظاهر و لاف‌زن معرفی می‌کند که قرین کبر و حسد هستند:

یک رمه زین دیو نژادان شهر با همه‌شان کبر و حسد هم قرین  
 لاف که هستیم سنایی همه در غزل و مرثیه سحرآفرین  
 آری هستند سنایی ولیک از سرشان جهل جدا کرده سین  
 (سنایی، ۱۳۸۷: ۵۴۵)

و در نهایت، اندرزشان می‌دهد که شاعری دربارها را رها کنند و به شرع روی آورند و با خرسندی و قناعت باد غرور و آرزو را از سر بیرون کنند و بی‌طمع زیستن را درپیش گیرند تا به فراغ و آسایش رسند:

شاعری بگذار و گرد شرع گرد ایرا ترا زشت باشد بی‌محمد نظم حسان داشتن  
 ورت خرسندی درین منزل ولی‌نعمت بود رو که چون من بی‌نیازی از فراوان داشتن  
 باد بیرون کن ز سر تا جمع گردی بهر آنک خاک را جز باد نتواند پریشان داشتن  
 راستی اندر میان داوری شرطست از آنک چون الف زو دور شد دستی در امکان داشتن  
 گر چو خورشیدی نباید تا بوی غماز خویش توبه باید کرد ازین رخسار رخشان داشتن  
 بی‌طمع زی چون سنایی تا مسلم باشدت خویشن را زین گرانجانان تن‌آسان داشتن  
 باد کم کن جان خود را تا توانی همچنو خاک پای خاکپاشان خراسان داشتن  
 (سنایی، ۱۳۸۷: ۴۵۷)

– حاکمان و سلاطین ریاکار

سنایی حاکمان ریاکار را لاف‌زنانی ظالم، مغرور و بی‌خرد می‌داند که اسیر هوای نفس هستند و مسلط بر نفس خود نیستند؛ به همین دلیل آنان را لایق پادشاهی و سروری نمی‌داند:

کیست سلطان؟ آنکه هست اندر نفاذ حکم او      خنجر آهنگانش بحری ناوک اندازان بری  
تو همی لافی که هی من پادشاه کشورم      پادشاه خود نه ای چون پادشاه کشوری  
در سری کانجا خرد باید همه کبرست و ظلم      با چنین سر مرد افساری نه مرد افسری  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۶۵۴)

و حقیقت وجودی آن‌ها را با تشبیهاتی تحقیرکننده، آشکار می‌سازد:

تو ای ظالم سگی مکن که چون این پوست بشکافند در آن عالم سگی خیزی نه کهفی بلکه کهدانی  
تو مردم نیستی زیرا که دایم چون ستور و      گهی دلخسته از جویی گهی جان‌بسته خوانی  
دد

(سنایی، ۱۳۸۷: ۶۷۱)

در جایی دیگر ناامیدی و یأس خود را از آنان چنین بیان می‌دارد:

از این مثنوی ریاست‌جوی رعنا هیچ نگشاید      مسلمانی ز سلمان جوی و درد دین ز بودردا  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۵۵)

به‌طور خلاصه چنان‌که از نظر گذشت، سنایی مدعیان علم و کمال (علما) و صوفی‌نمایانی را که مدعی ارشاد و دستگیری هستند و یا زهد فروشانی (فقها و زهاد) را که خود را به لباس دین درآورده‌اند و نیز قدرتمندانی را که ادعای خدایی کرده، برای خویشان قداست قایل‌اند، کسانی می‌داند که در اثر پیروی از هواهای نفسانی به ورطهٔ لاف و ادعا افتاده و با تزویر و ریا کوشیده‌اند تا مردم را فریب دهند و نظر آنان را به خود جلب کنند تا از این طریق به مطامع دنیوی خویش دست یابند.

**۲-۵. کسانی که در رفتن به جنگ با کفار، ریاکاری می‌کنند:**

سنایی با مدنظر داشتن آیهٔ ۸ سورهٔ انفال به انتقاد از لشکریان ریاکار روزگار خود می‌پردازد که یا اساساً به جنگ نرفته، ادعای غزای روم و هند را دارند و یا اگر هم رفته‌اند، انگیزهٔ اصلی آن‌ها غارت و سهم‌خواهی بوده است، نه جهاد در راه خدا:

غازیان نابوده در غزو و غزای روم و هند      لاف خود افزون ز پور زال و نوذر کرده‌اند  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۵۵)

غازیان را ز پی غارت و سهم      قوت از اسب و سلاح و خدم است  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۸۲)

و در جایی دیگر می‌گوید که این غازیان و لشکریان ریاکار شریک و همراه سگ و دیو هستند:

با سگ و دیو کرده انبازی      چیست این لشکری و آن غازی  
این همه خشم و جنگ و ظلم و شرور      دد و دیواند در نقاب غرور  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۳۸۲)

چنان که در ابیات مزبور آمده است، حکیم سنایی با ایجاز عامل بسیاری از جنگ‌ها، خشم‌ها، ظلم‌ها و شرارت‌ها را ناشی از قدرتمندانی ریاکار می‌داند که نقابی از غرور و خودخواهی بر چهره دارند و با ظاهر خود ساخته خویش، مردم را می‌فریبند، اما در باطن حیواناتی درنده‌خو و شیطان‌صفت‌اند که در پی غارت و سهم‌خواهی هستند.

### ۳-۵. ریاکاران هم‌نشینان شیطان‌اند

ابوالمجد مجدود با در نظر داشتن آیه ۳۸ سوره نسا، ریاکاران روزگار خود را شیاطینی می‌داند در لباس آدمی که متأسفانه در مسند قدرت قرار دارند و به کام‌روایی مشغول‌اند:

جم از این قوم بجسته است و کنون دیو با جامه و با جام جم است  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۸۳)

پس به مردمان هشدار می‌دهد:

اندین ره صد هزار ابلیس آدم‌روی هست تا هر آدم‌روی را ز نهار که آدم نشمری  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۶۵۴)

بیت مزبور یادآور بی‌تی از مولانا در تمثیل «طوطی و بقال» است:

چون بسی ابلیس آدم روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست  
(مولوی، ۱۳۸۱: ۳۱۶/۱)

همچنین سنایی در جایی دیگر عالم بی‌عمل را «غول» می‌نامد:

غول باشد نه عالم آن که از او بشنوی گفت و نشنوی کردار  
(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۹۶)

و ناگفته نماند که غول در متون فارسی بارها عامل گمراهی و فریب، معرفی شده است. درباره جنبه‌های متضاد وجودی انسان نیز متذکر می‌شود:

در تو حیوانی و روحانی و شیطانی درست در شمار هر که باشی آن شوی روز شمار  
(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۸۲)

### ۴-۵. کسانی که در انفاق و صدقات ریا می‌کنند

سنایی تحت تأثیر آیه ۲۶۴ سوره بقره ریا در انفاق و صدقات را نکوهش می‌کند و انفاق و صدقه‌ای که افراد فقیر با اخلاص در راه خدا می‌کنند، هرچه اندک باشند (جهد مقل) ارزشمندتر از انفاق و صدقات فراوانی می‌داند که توانگران از روی ریا و تظاهر انجام می‌دهند:

هرچه داری برای حق بگذار کز گدایان ظریف‌تر ایشار  
جان و دل بذل کن کز آب و ز گل بهتر از جودهاست جهد مقل  
سید و سرفراز آل عبا یافت تشریف سوره هل اتی  
زان سه قرص جوین بی‌مقدار یافت در پیش حق چنین بازار  
خیز و بگذار دنیی دون را تا بیابی خدای بی‌چون را  
درمی صدقه از کف درویش از هزار توانگر آمد پیش  
زانکه درویش را دلی ریش است از دل ریش صدقه زان پیش است

به توانگر تو آن نگر که دلش هست تاریک و تیره همچو گلش  
زانکه درویش را دلی ریش است دل او کیمیای لم یزلیست  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۱۵)

همچنین او ریشه بسیاری از گرفتاری‌ها و مشکلات و کفر و دین‌گویی‌ها و دورافتادن از درگاه حق را ناشی از دورنگی و ظاهر فریبی انسان‌ها می‌داند و معتقد است که آنان (صرف نظر از این که جزء کدام گروه یا قشر و طبقه‌ای باشند) تا در خُم وحدت وارد نشوند و با حق یک‌رنگ نشوند، نمی‌توانند او را دریابند:

راه دور، از دل درنگی تست کفر و دین از پی دورنگی توست  
لقب رنگ‌ها مجازی کن خور ز دریای بی‌نیازی کن  
تا از آن نعره‌ها به گوش نوی وحده لا شریک له شنوی  
بیش سودای رنگ‌ها نپزی گر کند عیسی تو رنگ‌ریزی  
هرچه خواهی ز رنگ برداری در یکی خُم زنی برون آری  
به حقیقت شنو نه از سر جهل نیست این نکته بابت نااهل  
کین همه رنگ‌های پرنیرنگ خُم وحدت کند همه یک‌رنگ  
پس چو یک رنگ شد همه او شد رشته باریک شد چو یک تو شد  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۱۸)

و ابیات مزبور که ماحصل کلام نیز هست، از جمله شواهد مثالی است، که سنایی به مضامین اخلاقی برگرفته از آموزه‌های قرآنی، چاشنی و رنگ و بویی از عرفان نیز بخشیده است.

### ۶. نتیجه

چنان که از نظر گذشت، سنایی در آثار خود تحت تأثیر آیات و آموزه‌های قرآنی، ریاکارانی از گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماع همچون فقها، علما، وعاظ، زهاد، قاریان، صوفیان، حاجیان و... را نکوهش می‌کند و به باد انتقاد می‌گیرد و برای روی آوردن آن‌ها به ریا و تظاهر انگیزه‌های مادی و معنوی مختلفی از قبیل کسب مال و ثروت، مقام، احترام، شهرت و... را برمی‌شمارد. او با الهام از مضامین قرآن، معتقد است که ریاکاران هم‌نشینان شیطان هستند، در اعمال عبادی خود اخلاص ندارند و با ریاکاری و دورنگی در پی رسیدن به مطامع دنیوی هستند.

سنایی حاجیان ریاکار را گدایانی منافق می‌داند که مدام توجه‌شان به جای خدا به تحسین و تشویق مردم است و قاریان ریاکار را به استفاده ابزاری از قرآن برای رسیدن به پایگاه و منزلت اجتماعی متهم می‌کند و شاعران ریایی را طوطی‌صفتانی می‌خواند که فریفته مادیات هستند و خلاصه آن که کمتر قشر، گروه یا طبقه‌ای از جامعه سنایی را می‌توان یافت که از تیغ تیز انتقادهای او در امان مانده باشد.

سنایی راه کارهایی هم به ریاکاران پیشنهاد می‌کند؛ برای مثال، شاعران ریاکار را به روی آوردن به دنیای خرسندی و قناعت و دوری از دربارها فرامی‌خواند و فقیهان ریایی را به داشتن اخلاص و یک‌رنگی ترغیب می‌کند و سلاطین ریاکار را به پرهیز از هوای نفس دعوت می‌کند و... و همواره به همه افراد تذکر می‌دهد که فریب ظواهر را نخورند، در انفاق و صدقات و اعمال حسنه، صداقت و اخلاص داشته باشند و

از نفاق و دورنگی دوری جویند و با ورود به خُم وحدت و خروج از آن با یک‌رنگی، به حق و حقیقت نایل شوند.

و توصیه نهایی او به همه انسان‌ها این است:

دور کن بوی ریا از خود که تا آزاده‌وار مسجد و میخانه را محرم شوی چون بوریا  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۴۴)

## منابع

- قرآن مجید (۱۳۸۰)، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- آذر، لطف علی بیگ (۱۳۴)، آتشکده آذر، به تصحیح حسن سادات ناصری، تهران: مروارید.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۸۸)، دیوان سنایی غزنوی، به اهتمام مدرس رضوی، تهران: سنایی.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۸۷)، حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، به تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۸)، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ دوازدهم، تهران: فردوسی.
- فهری زنجانی، احمد (۱۳۵۹)، بحثی پیرامون ریا و عجب، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی معین، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از نویسندگان، چاپ ۳۶، ۲۸ جلدی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مولانا، جلال‌الدین محمد رومی (۱۳۸۲)، مثنوی معنوی، به تصحیح نیکلسون، تهران: هرمس.